مطالعات تاریخ اسلام
سال دهم/ شمارهٔ ۳۸/ پاییز ۱۳۹۷

محاسن و معایب نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی با تأکید بر *ریاض العلماء*

سید محمد موسوی‌خو[۱]
محمود مهمان‌نواز[۲]

چکیده: حکومت صفویان، از دوره‌های شاخص در تاریخ ایران است که علم و دانش در آن رونق بسیار داشت. گذشته از اهمیت فراوان این دوره از نظر سیاسی، ظهور حکومت صفوی از نظر اجتماعی و مذهبی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا با تشکیل این حکومت و رسمیت یافتن مذهب تشیع، نظام آموزشی امامیه شکوفا شد. شاه اسماعیل اول مؤسس سلسله صفوی، برای مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی خود مقدمات تأسیس نهادهای آموزشی را نیز فراهم کرد. همچنانکه در این دوره، تحت تأثیر رشد همه‌جانبه فرهنگ و تمدن ایرانی، نظام آموزشی تحولات قابل توجهی را تجربه کرد. نظامی که در کنار محاسن فراوانش، کاستی‌ها و معایبی نیز داشت. بنابراین، این پژوهش در پی پاسخ گفتن به این پرسش اساسی است که نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی چه محاسن و معایبی داشت؟ یافته‌های پژوهش که بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با جستجو در منابع و پژوهش‌های مربوط به آن دوره به‌ویژه کتاب *ریاض العلماء*، سامان یافته است، نشان می‌دهد که احداث مساجد، مدارس، مکتب‌خانه، کتابخانه‌ها و ترجمه و تألیف کتاب به زبان فارسی، توجه به خوشنویسی، نقاشی، معماری و دعوت از علمای جبل عامل، بحرین، عراق و فراهم نمودن شرایط برای ادامه تحصیل زنان، تأمین بودجه، اعطای حقوق مکفی به استادان و پرداختن کمک هزینه تحصیلی به طلاب از محاسن نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی است؛ حال آنکه شرح، حاشیه‌نویسی و تعلیقه بر کتب، عدم توجه به تخصصی شدن علوم، عدم رعایت پیش‌نیاز در دروس و تنبیه بدنی در مکتب‌خانه‌ها از معایب نظام آموزشی امامیه در آن دوره محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نظام آموزشی صفویه، محاسن نظام آموزشی، معایب نظام آموزشی، امامیه، صفویه، *ریاض العلماء*

---

۱ دکتری تاریخ و استادیار دانشگاه یاسوج(نویسنده مسئول) mmusavikhu@gmail.com
۲ دکتری تاریخ و استادیار دانشگاه یاسوج mehmannavaz86@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۷/۲۹

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

The Merits and Disadvantages of the Imamieh Educational System in the Safavid Era, with an Emphasis on *Riaz al-Olma*

Seyyed Mohammad Mosavikho[1]
Mahmoud Mehman Navaz[2]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

Abstract: The Safavid dynasty is one of the most important periods in Iranian history, when knowledge and science was honored. In addition to the political importance of this era, the advent of the Safavid government is also of great importance in terms of religion and social aspect; since due to the formation of this government and the establishment of the Shi'a religion, the Imamieh educational system flourished. The founder of the Safavid dynasty, Shah Isma'il I, provided the foundations for the establishment of educational institutions to legitimize his political system. In this era, under the influence of the immense growth of Iranian culture and civilization, the educational system also experienced significant changes. This system, along with its many virtues, had some shortcomings and disadvantages. Therefore, this research seeks to answer the fundamental question that "What were the advantages and disadvantages of Imamieh educational system in the Safavid era?" The findings of the research, which is based on the descriptive-analytical method and by reviewing the resources and researches related to that period, especially the book *Riaz al-Olma*, show some of these advantages and disadvantages. Construction of mosques, schools, libraries and translation and compilation of the book in Persian, paying attention to calligraphy, painting, architecture, inviting scholars from Jebel Amel, Bahrain, Iraq, and providing necessities for women to continue their studies, fundraising, paying sufficient salaries to the teachers as well as paying scholarships to students are among the merits of the Imamieh educational system in the Safavid era. Meanwhile excessive interpretations, annotations on books, paying no attention to the specialization of science, the failure to comply with pre-requirements and corporal punishment in schools are among the disadvantage of Imamieh educational system.

Keywords: Safavid educational system, merits of educational system, disadvantages of educational system, Imamieh, Safavid, *Riaz al-Olma*

1 Assistant professor, Yasouj University, (corresponding author), mmusavikhu@gmail.com
2 Assistant professor, Yasouj University, mehmannavaz86@gmail.com

مقدمه

تعلیم و تعلم از مسائل مهم و اساسی هر جامعه است، بنابراین ضرورت دارد جایگاه علم و دانش در هر عصری مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش درباره نظام آموزشی به تاریخ، فرهنگ و دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن جامعه ارتباط دارد. تأسیس حکومت صفوی در سال ۹۰۷ق. به‌عنوان یکی از رویدادهای مهم تاریخ ایران اسلامی محسوب می‌شود و این پژوهش نیز به محاسن و معایب نظام آموزش امامیه در این دوره با تأکید بر کتاب *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء* اثر میرزا عبدالله افندی پرداخته است. این نظام آموزشی دارای ریشه و اصالت فرهنگی است و از منظر تاریخی، سابقه‌اش به صدر اسلام و ظهور پیامبر اعظم(ص) منتهی می‌شود که مسجد، اولین پایگاه و جایگاه آن بود. ائمه –علیهم السلام–، صحابه و تابعین این روش پسندیده را دنبال کردند و دانشمندان و فقها، وظیفه مهم آموزش و ارشاد مردم را بر عهده گرفتند.

نظام آموزش امامیه در یک فرآیند تکاملی رشد و نمو یافت و در دوره صفوی شکوفا شد. میرزا عبدالله افندی از علمای این عصر در کتابش، نمای کلی از وضعیت آموزشی این دوره را بیان نموده است. در این پژوهش، با تکیه بر این اثر و دیگر منابع عصر صفوی، محاسن و معایب نظام آموزشی امامیه استخراج می‌شود و پس از تجزیه و تحلیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این عصر، امر آموزش حرکتی فراگیر بود که از جانب پادشاهان، امیران، وزیران، زنان و عوام حمایت می‌شد. در این دوره، علاوه بر مساجد، مدارس، مکتب‌خانه‌ها، کتابخانه‌ها، تکایا، خانقاه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و برخی از منازل به تشکیل مجالس درسی اقدام می‌نمودند. دانشمندان بزرگی ظهور کردند و در زمینه‌های مختلف آموزشی، کتاب‌هایی نگاشتند. برخی نیز بر کتاب های پیشینیان، شرح، حاشیه و تعلیقاتی نوشتند. این نظام آموزشی به‌رغم محاسن و پیشرفت‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون علمی، کاستی‌ها و معایبی نیز داشت. این پژوهش در صدد است محاسن و معایب نظام آموزش امامیه در عهد صفوی را مورد بررسی قرار دهد.

نظام آموزشی در دوره صفویه

نظام آموزشی مجموعه پیچیده‌ای است که در آن اجزای متشکله و زیرنظام‌ها به‌گونه‌ای

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

سازمان یافته است تا در اثر تعامل مداوم، هدف‌های از پیش تعیین شده را تحقق بخشد.[۱] در اوایل قرن دهم هجری، حکومت صفویان در ایران تشکیل شد که از جهات گوناگون حائز اهمیت است. از این حکومت به‌عنوان اولین حکومت ملی مستقل ایران از زمان ورود اسلام تا بدان روزگار یاد شده است. صفویان توانستند در جغرافیای ایران، بدون وابستگی به هیچ حکومت دیگری دولتی پایدار تشکیل دهند. مورد بعدی که درباره اهمیت صفویان در تاریخ ایران باید بدان اشاره نمود، رسمیت یافتن مذهب شیعه امامیه در دوران این حکومت است. در واقع رسمیت یافتن تشیع به صفویان کمک نمود تا هرچه بیشتر استقلال خود را در برابر حکومت نیرومند جهان اسلام در آن روزگار (عثمانی) حفظ نماید.

استقلال یک حاکمیت سیاسی، به مؤلفه‌های گوناگونی نیاز دارد که یکی از این موارد، نظام آموزشی قوی و مستقل است. به دلیل آنکه مذهب شیعه امامیه قبل از صفویان تجربه حکومتداری نداشت (به استثنای حکومت کوتاه‌مدت و محلی سربداران)، در مورد نظام آموزشی به‌شدت احساس ضعف و کمبود می‌کرد. به هر روی فضای جدید مذهبی احساس نیاز به مسئله آموزش را در میان حاکمان و همچنین متولیان فرهنگی بیشتر کرده بود و همین امر سبب ایجاد مراکز آموزشی زیادی در این دوره شد. می‌توان دوران صفویان را به لحاظ تعدد مراکز آموزشی از شکوفاترین دوره‌های تاریخ ایران دانست به‌گونه‌ای که حتی تعجب و حیرت سیاحان اروپایی را به دنبال داشته است. در این بین، مهاجرت علمای امامیه به ایران (به دعوت حکومت) زمینه را برای توسعه هرچه بیشتر مسئله آموزش و مراکز آموزشی فراهم نمود. نظام آموزش امامیه در عصر صفوی محاسن زیادی داشت، اما در عین حال نمی‌توان از نظر دور داشت که این نظام آموزشی دارای کاستی‌هایی نیز بوده است.

محاسن نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی

۱- احداث مساجد، مدارس و مکتب‌خانه‌ها

ایجاد و توسعه فضاهای آموزشی و مکان‌هایی برای تعلیم و تعلم مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین لازمه گسترش و پیشرفتِ یک نظام آموزشی است. درک چنین امری از سوی حاکمان و متولیان نظام آموزشی دوره صفویه سبب احداث و توسعه فضاهای آموزشی گردید، به‌گونه‌ای که حتی در شهرهای کوچک و روستاها نیز مکانی برای جویندگان دانش فراهم شده بود.

۱ محسن فرمیهنی فراهانی (۱۳۷۸)، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، تهران: اسرار دانش، ص۲۹۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

۱-۱- مساجد

مساجد به‌عنوان یکی از نهادهای دینی- فرهنگی ایران عصر صفوی، جایگاه مهمی برای فعالیت‌های مختلف بودند. شواهد تاریخی حاکی از آن است که مساجد تنها کارکرد عبادی نداشته‌اند و به منظور انتقال فرهنگ شیعی، واجد ظرفیت‌های آموزشی و تربیتی قابل توجهی بوده‌اند. در این عصر، مسجد یکی از مهم‌ترین فضاهای آموزشی بود که مورد استفاده قرار می‌گرفت. صفویان با تأسیس مساجد، در نشر مذهب تشیع و ترغیب مردم به آن همت گماشتند. از کتاب *ریاض العلماء* چنین استنباط می‌شود که با حمایت پادشاهان از علمای عصر صفوی و احداث مساجد در سراسر ایران، در تقویت مذهب تشیع گام‌های اساسی برداشته شد.[۱] این توسعه، نتیجه ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی بود که در این زمان وجود داشته است. نظام آموزشی مساجد در عصر صفوی مبتنی بر آموزه‌های مذهب تشیع بود که متأثر از تلاش علمای شیعه در این عصر بود. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی استفاده از مساجد، به‌عنوان کانون‌های آموزشی است. این عمل در اسلام، سابقه دیرینه‌ای داشت. از آغاز تأسیس تمدن اسلامی در مدینة النبی و احداث مسجد توسط پیامبر(ص) در این شهر، این مکان نه تنها محلی برای عبادت بود، بلکه از آن برای آموزش نیز استفاده می‌شد. در تاریخ اسلام از ابتدا آموزش با مسجد در ارتباط بود و مدرسه در اصل از مسجد منشعب شده است. امامیه از دوران ائمه – علیهم السلام – از مسجد به‌عنوان محلی جهت آموزش علوم استفاده می‌کردند. امام سجاد(ع) مردم را هر روز جمعه در مسجد النبی موعظه می‌کرد.[۲] با الگوگیری از پیامبر(ص) و ائمه معصومین – علیهم السلام –، علمای شیعه بر آموزش در مساجد اهتمام می‌ورزیدند. برای نمونه از جمله آنان، ابان‌بن‌تغلب بود که بنا به پیشنهاد امام باقر(ع) در مسجد می‌نشست و برای مردم، احکام و مسائل شرعی را بیان می‌کرد.[۳]

در دوره صفویه، در سراسر ایران مساجد زیادی با حمایت فرمانروایان و افراد خیر تأسیس شد. در این مساجد، علاوه بر امور مذهبی، امور آموزشی نیز انجام می‌پذیرفت. در شهرهای مختلف ایران مانند تبریز، قزوین و اصفهان که پایتخت بودند و شهرهای دیگری

---

۱ میرزاعبدالله افندی اصفهانی (۱۴۰۳ق)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق سید احمد حسینی، ج۱و۲و۳، قم: منشورات مکتبۀآیت‌الله مرعشی نجفی، اکثر صفحات.

۲ محمدبن‌یعقوب کلینی (۱۴۰۷ق)، *کافی(ط-الاسلامیه)*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ص۷۲.

۳ احمد بن‌علی‌نجاشی [بی‌تا]، *رجال*، تهران: [بی‌نا]، ص۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

مانند قم، مشهد، شیراز و ... مساجد متعددی احداث شد و مسائل آموزشی مورد توجه قرار گرفت. از شهرهای مهم عصر صفویه، شهر اصفهان بود که شاه عباس اول آن را به‌عنوان پایتخت انتخاب نمود. در عصر صفوی، در شهر اصفهان مساجد زیادی تأسیس شد که برای نمونه می‌توان به مسجد شیخ لطف‌اللّه و مسجد شاه اشاره نمود.[۱] با توجه به منابع عصر صفوی و کتاب *ریاض العلماء* استنباط می‌شود که مساجد، مهم‌ترین مکان‌های آموزشی در عصر صفوی بودند. در این مساجد، مباحث مربوط به مذهب تشیع برای مردم تبیین می‌شد. همچنین سیاحان اروپایی نیز از مسجد به‌عنوان جایی جهت آموزش سخن به میان آورده‌اند. آدام اولئاریوس به این موضوع اشاره دارد که مساجد در روزگار صفوی هم محل عبادت و هم مدرسه بودند. مردم هر محله، مسجدی تأسیس و هزینه‌های آن را نیز تأمین می‌کردند.[۲] در این مساجد، علاوه بر امور مذهبی، امور آموزشی نیز مورد توجه قرار می‌گرفت. در این عصر، مسجد به‌عنوان آموزشگاهی مذهبی عمل می‌کرد و با توجه به وفور مساجد در این دوره که بنا به گفته شاردن در هر کوچه‌ای مسجدی وجود داشت[۳] می‌توان دریافت که به لطف وجود مساجد متعدد، آموزش در این دوره همگانی شده و برای عموم مردم، در دسترس بوده است.

۱-۲- مدارس

از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، احداث مدارس در شهرهای مختلف ایران بود. تأسیس مدارس در تمدن اسلامی قدمت زیادی داشت. با گذشت زمان و در پی گسترش دامنه فراگیری علم و دانش و برای جلوگیری از مزاحمت‌هایی که در مساجد برای نمازگزاران پیش می‌آمد، در کشورهای اسلامی مراکزی با نام مدرسه پدید آمد. از کتاب *ریاض العلماء* و منابع اصلی عصر صفوی چنین استنباط می‌شود که این عصر گسترش و رونق مدرسه‌سازی بود. براساس منابع تاریخی، در این روزگار فرمانروایان، عالمان و سایر افراد جامعه عزم خود را برای مدرسه‌سازی جزم کردند که نتیجه آن، احداث مدارس متعددی در شهرهای مختلف ایران به‌ویژه در شهرهای بزرگ و پایتخت بود. جریان علمی عصر صفوی در مراکز کهن و ریشه‌دار فعالیت‌های علمی، یعنی مدارس پیگیری می‌شد. مدرسه در تعریف این دوران نوعی

۱ جملی کاری (۱۳۴۸)، *سفرنامه*، ترجمهٔ عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ص۸۰.
۲ آدام اولئاریوس (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمهٔ احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ص۳۰۱.
۳ ژان شاردن (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ترجمهٔ اقبال یغمایی، ج۴، تهران: طوس، ص۲۲۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

کالج یا دانشگاه به شمار می‌رفت که در آن جریانی نسبتاً سطح بالا از علم مورد توجه قرار داشت. بنا به استناد شاردن، در ایران عصر صفوی تازه جوانان پس از طی آموزش مکتب به مدرسه می‌رفتند و مدرسه در عرف، نام آموزشگاه علوم دینی بود.[۱] به نظر می‌رسد مدارس و مساجد در دوره صفویه، اهداف آموزشی مشترک داشتند و مکمل همدیگر بودند. بنابراین پس از مکتب‌خانه، آموزش ابتدایی در مساجد انجام می‌گرفت و طالبان علم برای ادامه تحصیل به مدارس می‌رفتند. در عصر صفوی، مدارسی در کنار مساجد احداث می‌شد که محل تحصیل فرزندان بزرگان بود. آنان ضمن تحصیل زبان فارسی، به فرا گرفتن زبان عربی و درحد توان به حفظ قرآن مجید می‌پرداختند.[۲] گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد بسیاری از دانش‌آموختگان مدارس پس از تحصیل راهی دیار خود در شهرهای کوچک و روستاها می‌شدند و در آنجا نقش‌های مختلف دینی و ارشادی را بر عهده می‌گرفتند و به فعالیت می‌پرداختند.[۳] یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که مدارس ایفا می‌کردند، تأمین نیروی انسانی برای نهادهای حکومتی و خصوصاً دینی بود. دانش‌آموختگان مدارس بر اساس مذهب رسمی علوم مختلف را می‌آموختند و همین امر سبب ترویج تشیع توسط آنها می‌شد. باید توجه داشت که حکومت صفویان در اوائل با کمبود شدید نیروی انسانی متخصص در زمینه مذهب تشیع مواجه بود. بنابراین گسترش و ترویج مدارس به مرور این نقص را مرتفع نمود به‌گونه‌ای که در اواخر دوران صفویان این مشکل در سایه گسترش نهادهای آموزشی خصوصاً مدارس رفع شده بود.

از محاسن نظام آموزش امامیه و مدارس این دوره، حق انتخاب استاد توسط دانشجویان بود. به گفته تاورنیه، طلاب در گزینش معلم آزاد بودند؛ بنابراین طالبان علم می‌توانستند در همان مدرسه درس بخوانند و یا در خارج از مدرسه، معلم دیگری را انتخاب نمایند.[۴] توجه و اهمیت دادن به نوع و سبک معماری مدارس از دیگر محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی بود که سبب ایجاد ساختمان‌هایی مجلل با سبک خاص اسلامی برای مدارس می‌شد. کمپفر بیان نموده است مدارسی که در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی در ایران ساخته

---

۱ همان، ج۳، ص۹۳۷.

۲ انگلبرت کمپفر (۱۳۵۰)، *سفرنامه*، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ص۱۳۹.

۳ موسی‌الرضا بخشی استاد و رمضان رضایی (۱۳۹۳)، «نقش مدارس عصر صفوی در گسترش تشیع دوازده امامی»، *ادیان و عرفان*، س۴۷، ش۲، صص۲۲۶-۲۲۷.

۴ ژان باتیست تاورنیه (۱۳۸۲)، *سفرنامه*، ترجمهٔ ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران: نیلوفر، ص۵۹۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

شده‌اند، از نظر شکوه، جلال و طرز ساختمان بر مدارس عالی آلمان برتری داشتند.[۱] به نظر می‌رسد در این عصر، حاکمان و عالمان با وحدت و همدلی در جهت گسترش مدارس اهتمام جدی داشتند. به همین علت در تمام مناطق ایران و به‌ویژه شهرهایی که پایتخت بودند، مدارس متعددی ساخته شد که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

شهر اصفهان، یکی از مهم‌ترین پایتخت‌های روزگار صفویان، در دوران طلایی آن حکومت بود. حکما و علمای دوره صفوی برای ترویج مذهب تشیع، نهضت مدرسه‌سازی را رواج دادند. بنابراین، بیشترین مدارس در این شهر ساخته شد ولی به مرور زمان برخی از آنها از بین رفتند. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی این بود که علاوه بر احداث مدارس در شهرها، در روستاها نیز مدارسی احداث می‌شد. برای نمونه و بنا به استناد فیگوئروا، شاه طهماسب اول در روستای جاروستاق از توابع شهر اصفهان مدرسه‌ای برای طلاب ساخت.[۲] از دیگر محاسن نظام آموزشی امامیه، تعامل سازنده علما و پادشاهان از یک طرف و علما با علما از طرف دیگر است که نتیجه آن، تأسیس مدارس مهمی در شهرهای مختلف ایران به‌ویژه در شهر اصفهان بود. به‌عنوان نمونه، شاه عباس اول مدرسه معروف به ملاعبدالله[۳] و شیخ لطف‌الله[۴] را تأسیس نمود. وجود نوعی تسامح در مدارس را باید از نکات مثبت این نظام آموزشی ذکر نمود. مثلاً به‌رغم سختگیری‌هایی که در زمینه علوم عقلی وجود داشت (هم از سوی حکومت و هم از سوی برخی جریانات فکری)، برخی از علما در مدارس شهر اصفهان به تعلیم و تعلم این علوم مشغول بودند.[۵]

علاوه بر شهر اصفهان، در شهرهای دیگر ایران، مدرسه‌سازی سرلوحه کار حاکمان بود. به همین علت در شهر تبریز مدارس متعددی ساخته شد و دانشمندان زیادی در حوزه‌های مختلف علوم به فعالیت مشغول بودند.[۶] علاوه بر دو شهر فوق‌الذکر، شهر قزوین نیز از پایتخت‌های عصر صفوی بود. علمای زیادی در مدارس این شهر به تعلیم و تعلم می‌پرداختند و به همین علت، علوم نقلی و عقلی در این شهر رونق گرفت.[۷] گرایش برخی از علما به علم

۱ کمپفر، *سفرنامه*، ص۱۴۰.
۲ دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمهٔ غلام رضا سمیعی، تهران: نشرنو، ص۳۷۱.
۳ افندی، *ریاض العلماء*، ج۳، صص۱۹۵-۱۹۶.
۴ همان، ج۴، ص۴۱۷.
۵ همان، ج۵، ص۴۶۷.
۶ همان، ص۲۵۸.
۷ همان، ج۳،ص۳۷۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

پزشکی در مدارس را باید از دیگر محاسن نظام آموزشی دانست. برای نمونه امیر روح‌الله حسینی قزوینی سیفی در علم طب تبحر زیادی داشت. اکثر طبیب‌زادگان قزوینی علم طب را از وی فرا گرفتند و به شاگردی او افتخار می‌کردند.[۱]

در این دوره، علاوه بر سه پایتخت مهم عصر صفوی، در دیگر شهرها مدارس متعددی بنا شد و تعلیم و تعلم رونق گرفت. یکی از شهرهایی که در زمان صفویان مورد توجه حاکمان قرار گرفت، شهر مشهد بود. بنا به استناد منابع عصر صفوی، مدارس این شهر در نیمه قرن یازدهم در اوج ترقی و تکامل خود بوده است. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی این بود که دانش‌آموختگان این نظام آموزشی، کارهای عمرانی نیز انجام می‌دادند. به‌عنوان نمونه، شیخ مؤمن دستجردی در مشهد مقدس در بقعه‌ای که به پای چنار معروف بود، ساکن شد و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. وی شاگردان زیادی تربیت نمود که به همت آنان در خراسان مساجد، بقعه، رباط، پل و آب انبار ساخته شد.[۲] از دیگر شهرهای ایران که در زمان صفویان مورد توجه قرار گرفت و مدارس متعددی در آن تأسیس شد، شهر شیراز بود. علمای زیادی در این شهر به تعلیم و تعلم مشغول بودند. تأسیس مدارس توسط فرمانروایان از نکات مثبت این دوره بود. برای مثال یکی از مدارس مهم عصر صفوی، مدرسه «خان» شهر شیراز بود که توسط الله‌وردی‌خان تأسیس شد که از مدرسان معروف آن، ملاصدرای شیرازی بود.[۳] از دیگر شهرهایی که در زمان صفویه مدارس زیادی در آن تأسیس شد، شهر قم بود. در این شهر دانشمندانی در زمینه‌های مختلف علوم پرورش یافتند و تألیفاتی از خود برجای گذاشتند.[۴] از ویژگی‌های مثبت نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، تأثیرگذاری این مذهب بر علمای اهل سنت بود. به‌عنوان نمونه فخرالدین ماوراءالنهری از بلاد ماوراءالنهر به ایران سفر کرد، مستبصر شد و در شهر قم سکنی گزید. وی علوم ادبی و امثال آن را از گروهی از فضلای ماوراءالنهر فرا گرفت و علوم دینی را از دانشوران قم استفاده نمود.[۵]

---

۱ همان، ج۲، ص۳۵۳.

۲ ولی قلی‌بن‌داودقلی‌شاملو (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، مصحح سید حسن سادات ناصری، ج۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص۳۳.

۳ محمد یوسف واله اصفهانی (۱۳۸۲)، *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*، مصحح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص۳۶۶.

۴ افندی، *ریاض العلماء*، ج۳، صص۱۱۴-۱۱۵.

۵ همان، ج۴، صص۳۳۱-۳۳۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

۱-۳- مکتب‌خانه‌ها

از دیگر مراکزی که خواندن، نوشتن، آشنایی با قرآن و احکام ضروری اسلام در آن انجام می‌گرفت، مکتب‌خانه‌ها بود. اگرچه مکتب‌خانه‌هایی که در آنها خواندن و نوشتن انجام می‌شد پیش از اسلام نیز وجود داشت، ولی همزمان با شکوفایی اسلام، از خواندن و نوشتن استقبال گردید و مکتب‌خانه‌ها فعال شدند.[۱] تقریباً به‌غیر از اشراف و روحانیون، بقیه جامعه ایرانی فرزندانشان را راهی مکتب‌خانه‌ها می‌کردند و این پدیده به نوعی عمومیت داشته است. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی این بود که کارگزاران و متولیان این نظام آموزشی در اقصی نقاط ایران، مکتب‌خانه‌هایی تأسیس نمودند. بنا به استناد شاردن، در عصر صفویه در هر شهر، حتّی در هر کوی و محله، چندین مکتب‌خانه وجود داشت.[۲] بنا به استناد کاتف، در شهر قزوین مکتب‌خانه‌های زیادی بود و کودکان را آموزش می‌دادند.[۳] به گفته کارری در جوار بازار تبریز، مدرسه‌ای برای تعلیم و تربیت اطفال بنا شده بود.[۴] به نظر می‌رسد که حکومت در مکتب‌خانه‌ها دخالتی نمی‌کرد و آموزش در مکتب‌خانه‌ها نیر حول و حوش آموزش علوم دینی، آموزش خط فارسی و خواندن متون بود. به نظر می‌رسد مکتب‌خانه‌ها نظام آموزشی پیش‌نیاز مدارس علمیه محسوب می‌شدند.

از دیگر مراکز آموزشی در عصر صفویه، بیمارستان‌ها بودند. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی این بود که در اکثر بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی دایر بود. بیمارستان به‌عنوان بخشی از یک مجتمع سنتی شامل مدرسه و مسجد، همراه با تسهیلات لازم جهت زوار بود. ساختمان‌های این مجتمع را به نام‌های مدرسه و مسجد، دارالشفا نامگذاری کرده بودند. دارالشفا بیشتر در خدمت زوار و دیگر مسافرانی بود که به زیارتگاه و یا مجتمع مسجد – مدرسه می‌آمدند.[۵]

۲. نگارش متون به زبان فارسی

پادشاهان صفوی از آغاز سلطنت بر آن شدند که در کشور ایران، وحدت سیاسی ایجاد کنند.

---

۱ احمدبن‌یحیی بلاذری (۱۹۷۸)، *فتوح البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص۴۵۶.

۲ شاردن، *سفرنامه*، ج۳، ص۹۳۲.

۳ فدت آفاناس یویچ کاتف (۱۳۵۶)، *سفرنامه*، ترجمهٔ محمد صادق همایون فرد، تهران: کتابخانه ملی ایران، ص۶۰.

۴ کاری، *سفرنامه*، ص۳۳.

۵ ویلم فلور (۱۳۹۳)، *بیمارستان‌های ایران در زمان صفویه و قاجار*، ترجمهٔ ایرج نبی‌پور، بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، صص۳-۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

به نظر می‌رسد آنچه موجب اتحاد و انسجام می‌شد، زبان و مذهب مشترک بود. حکومت صفوی تلاش می‌کرد که این دو عنصر را تقویت نماید. شاه اسماعیل اول، جایگاه زبان فارسی را در دربار صفویان ارتقا داد به‌طوری‌که زبان فارسی، زبان رسمی ایران باقی ماند.[۱] نخستین سلاطین صفوی به این نکته پی بردند که حفظ وحدت ممالک و نواحی بسیار که اقوام مختلف و ملیت‌های متفاوت دارند، کار آسانی نیست. بنابراین، وحدت ملی را با ترویج مذهب شیعه به‌وجود آوردند.[۲] مدارس از طریق آموزش زبان رسمی به یکپارچگی اقوام مختلف داخل کشورها کمک نموده، تعلق به یک ملیت را در آنها تقویت می‌کند. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفویه توجه به زبان فارسی بود. در این دوره، در برابر نثر مکلف و سخت دوره مغول و تیموری، نثری روان و ساده رایج شد به‌گونه‌ای که برای عموم مردم قابل فهم و استفاده بود. هرچند برخی معتقدند در این عصر، به علت رویکرد پادشاهان و علما به مسائل دینی و مذهبی و به‌ویژه مذهب تشیع، زبان فارسی دوران افول را طی نموده است، ولی با مراجعه به متون این عصر، چنین استنباط می‌شود که کتب فراوانی در زمینه‌های مختلف به زبان فارسی نگارش و ترجمه شده است. در ذیل برای نمونه به برخی از این متون اشاره می‌شود.

فقه و اصول از علومی بودند که در نظام آموزش امامیه دوره صفوی مورد توجه قرار گرفتند. علمای زیادی در این زمینه مهارت یافتند و آثاری از خود به زبان فارسی برجای گذاشتند.[۳] *رساله جامع عباسی* شیخ بهایی را می‌توان نخستین رساله عملیه فارسی به شمار آورد که تمامی ابواب فقه را دربر می‌گرفت. این کتاب به زبان فارسی روان نوشته شد و به همین دلیل، قرن‌ها یکی از کتاب‌های اصلی فارسی‌زبانان در فقه بود و بارها در ایران و هند به چاپ رسید.[۴] علامه مجلسی کتاب *مشکوة الانوار فی فضل قرائت القرآن*،[۵] ملاعمادالدین استرابادی *التحفة الشاهیة* را در فن قرائت،[۶] احمدبن‌محمد اردبیلی،[۷] میرزا عبدالله افندی،[۱] عبدالباقی

۱ کمپفر، *سفرنامه*، ص۱۶۸.
۲ افندی، *ریاض العلماء*، ج۴، صص۴۴۹-۴۵۱.
۳ همان، ج۵، ص۸۸.
۴ همان، ج۵، ص۸۹.
۵ همان، ج۵، ص۳۹.
۶ همان، ج۴، صص۱۵۳-۱۵۴.
۷ همان، ج۱، ص۵۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

تبریزی،[۲] ملاعلی‌رضا شیرازی،[۳] عبدالعلی حویزی،[۴] ملاعلی‌بن‌حسن زواری[۵] و ملافتح الله کاشانی[۶] تفاسیری به زبان پارسی تألیف کردند. علاوه بر تألیف کتب به زبان فارسی، کتاب‌های زیادی در زمینه‌های گوناگون علمی نیز به این زبان ترجمه شد که برای نمونه می‌توان به کتاب *الفیه* شهید،[۷] *مکارم الاخلاق* طبرسی،[۸] *اربعین* شیخ بهایی،[۹] *قرآن* مجید، *صحیفه سجادیه*،[۱۰] *نفحات اللاهوت*،[۱۱] *مهج الدعوات* سیدبن‌طاووس،[۱۲] *مفتاح الفلاح* شیخ بهایی،[۱۳] *شرح لمعه*،[۱۴] *کشف الریبهٔ عن احکام الغیبهٔ* شهید ثانی،[۱۵] *الخصال*، کمال‌الدین، *عیون اخبار الرضا*، *امالی* صدوق[۱۶] و برخی از متون *سانسکریت*[۱۷] اشاره نمود که توسط علمای عصر صفوی ترجمه شد.

۳- خوشنویسی، نقاشی و معماری

روزگار صفوی از نظر دانش، فرهنگ و تمدن از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ ایران، اسلام و تشیع به شمار می‌رفت. جلوه‌های گوناگون این تمدن درخشان در قالب موضوعات مختلفی چون دانش‌های عقلی و نقلی، هنر، معماری و ... خودنمایی کرد. این عصر، اوج ترقی و تکامل هنر در ایران بود.

---

۱ همان، ج۳، صص۲۳۲-۲۳۳.
۲ همان،ج۳، ص۵۹.
۳ همان، ج۴، ص۹۵.
۴ همان، ج۳، صص۱۴۷-۱۴۸.
۵ همان، ج۳، ص۳۹۴.
۶ همان، ج۴، صص۳۱۸-۳۱۹.
۷ همان، ج۳، ص۸۸.
۸ همان، ج۳،ص۹۰.
۹ همان، ج۵، ص۱۳۵.
۱۰ همان، ج۲، ص۵۸.
۱۱ همان، ج۳، صص۴۴۱-۴۴۲.
۱۲ همان، ج۲، ص۱۰۳.
۱۳ همان، ج۱، ص۱۱۴.
۱۴ همان، ج۵، ص۵۰۱.
۱۵ همان، ج۱، ص۲۰۷.
۱۶ همان، ج۴، ص۱۸۷.
۱۷ محمد علی حسینی‌زاده (۱۳۸۹)، *شکل‌گیری و تحول حوزه‌های شیعه*، تهران: مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشری، صص۱۴۱-۱۴۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، توجه به هنر و هنرمندان بود. خوشنویسی در نظام آموزش امامیه عصر صفوی رواج داشت به‌گونه‌ای که برخی افراد از این طریق امرار معاش می‌کردند.[۱] بنا به استناد کارری، خط ایرانی بسیار زیبا بود و شیوه‌های مختلفی داشت.[۲] در میان هنرمندان، خوشنویسان در صدر قرار داشتند که نشانه مقام والای آنان نزد فرمانروایان بود.[۳] عبدی نیشابوری، شاه محمود زرین قلم، محمد حسین تبریزی، بابا خان تربتی و مالک دیلمی قزوینی[۴] از جمله خوشنویسانی بودند که در عصر صفوی در خط نستعلیق مهارت داشتند. علاوه بر خوشنویسی، نقاشی نیز رونق داشت و علتش این بود که شاهان صفوی، راه را بر روی نقاشی و نقاشان گشودند. شاه اسماعیل اول، تبریز را به مرکز تهیه و تولید آثار هنری تبدیل کرد. شاه طهماسب اول علاقه زیادی به نقاشی داشت. استاد بهزاد، سلطان محمد و آقا میرک از نقاشان برجسته عصر اول صفوی بودند و در کتابخانه شاهی کار می‌کردند.[۵] رضا عباسی دارای سبک بود[۶] و آثارش مکتب اصفهان را رهبری می‌کرد.[۷] شاه عباس دوم، محمد زمان و دیگر نقاشان ایرانی را به روم فرستاد تا به تحصیل بپردازند.[۸] در نقاشی‌های دوره صفوی شکوه، عظمت و جلال این عصر که متأثر از تحولات بزرگی در عرصه مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود، دیده می‌شد. معماری در این عصر مورد توجه قرار گرفت که اوج آن در زمان شاه عباس اول بود. دو نمونه از بناهای مذهبی و غیرمذهبی او مسجد شیخ لطف‌الله وکاخ عالی قاپو است که از نظر معماری اهمیت فراوان دارند و سیاحان خارجی را فریفته خود نموده‌اند.

۴- آموزش زنان

از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، آموزش زنان بود. در مدارس عصر صفوی، بخش عمده تعلیم مسلمانان را آموختن قرآن و احادیث به زبان عربی تشکیل می‌داد و این عمل در گسترش افق دید زنان عصر صفوی نقش مهمی داشت. زنان این دوره، در زمینه‌های

---

۱ اولئاریوس، *سفرنامه*، ص۲۸۱.
۲ کاری، *سفرنامه*، ص۱۴۷.
۳ ثروت عکاشه (۱۳۸۰)، *نگارگری اسلامی*، ترجمهٔ غلامرضا تهامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ص۱۰۰.
۴ اسکندر بیگ ترکمان (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، ج۱، مصحح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ص۱۷۰.
۵ همان، ج۱، ص۱۷۴.
۶ ب. و رابینسون (۱۳۷۶)، *هنر نگارگری ایران*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: مولی، ص۷۳.
7 Hellen Rabissow (1945), *Art of Asia, Philosophical Library*, 1st Edition, New York: p194.
۸ لورنس بینیون و دیگران (۱۳۶۷)، *سیر تاریخ نقاشی ایرانی*، ترجمهٔ محمد ایران‌منش، تهران: امیرکبیر، صص ۳۹۲-۳۹۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

مختلف علمی مانند ادبیات، تاریخ و ریاضیات مهارت داشتند و به شعر و شاعری علاقه‌مند بودند. زنان در این نظام آموزشی به تحصیل علم می‌پرداختند، ولی درصد آنان نسبت به مردان کمتر بود. بنا به استناد *ریاض العلماء*، به برخی از زنان دانش‌آموخته عصر صفوی اشاره می‌شود. از زنان تحصیلکرده در این عصر، دختر شیخ علی منشار، زنی فقیه، محدث، همسر شیخ بهایی و از شاگردان پدرش بود که به تدریس فقه و حدیث می‌پرداخت و زنان در درس او حاضر می‌شدند.[۱] از دیگر زنان فاضل عصر صفوی، آمنه خاتون دختر ملامحمد تقی مجلسی، بانویی فقیه، باتقوا و همسر ملامحمد صالح مازندرانی بود. شوهرش با همه فضیلت و صلاحیت علمی که داشت گاهی پاره‌ای از قواعد علامه حلی را از وی می‌پرسید.[۲] وی شرحی بر *الفیه* ابن‌مالک و *شواهد* سیوطی نگاشته بود. از دیگر زنان دانش‌آموخته عصر صفوی، حمیده دختر مولانا محمد شریف محمد رویدشتی از زنان فاضل، عالم و عارف اصفهانی بود که در علم رجال تبحر داشت. او به زنان آموزش می‌داد و بصیرتی تام در علم رجال داشت[۳] و بر *استبصار* شیخ طوسی، حاشیه نوشته است.[۴] فاطمه دختر حمیده رویدشتی اصفهانی نیز مانند مادرش زنی بافضیلت و از دانشمندان عصر صفوی بود که به تدریس زنان عصر خود پرداخت.[۵] خواهر ملارحیم اصفهانی از دیگر زنان فاضل عصر صفوی، از شاگردان پدر، برادرش و از علما و خطاطان معروف بود که خط نسخ و نستعلیق را به‌خوبی می‌نوشت. وی *شرح لمعه* را با خط بسیار خوبی نوشته بود.[۶]

۵- دعوت از علمای جبل عامل، بحرین و عراق

طلاب و علمای دانش‌آموخته جبل عامل که در حوزه علمیه نجف به تحصیل اشتغال داشتند، آماده خدمت در مناطقی بودند که به وجود آنان نیاز داشت. در بدو تأسیس حکومت صفوی، ایران منطقه مناسبی برایشان بود. با توجه به فشارهای وارده بر شیعیان در قلمروی عثمانی، برخی از آنان به ایران مهاجرت نمودند. هنگامی که شاه اسماعیل اول تشیع را در ایران رسمیت بخشید، کشور هم از نظر داشتن عالمان ورزیده شیعی و هم از نظر منابع دینی

۱ افندی، *ریاض العلماء*، ج۵، ص۴۰۷.
۲ همان، ج۵، ص۴۰۷.
۳ همان، ج۴، صص۴۰۴-۴۰۵.
۴ همان، ج۵، ص۴۰۴.
۵ همان، صص۴۰۵-۴۰۶.
۶ همان، ص۴۰۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

دچار ضعف و کاستی بود. این مسئله از مهم‌ترین عللی بود که دولت صفوی را واداشت تا عالمان شیعه را از جبل عامل به ایران فراخواند.[۱] شاهان صفوی به منظور ترویج آیین تشیع و اجرای حقوق اسلامی بر طبق مذهب شیعه، علمایی را از سرزمین‌های عرب‌زبان مانند عراق، بحرین و جبل عامل به ایران دعوت کردند. جبل عامل از دیرباز، دانشگاه شیعه امامیه و مرکز پرورش دانشمندان و فرزانگان در علوم مختلف اسلامی بود. شهید اول، کتاب *اللمعه الدمشقیه* را به درخواست حاکم سربداری خراسان، نجم‌الدین علی‌بن‌المؤید علوی طوسی به ایران ارسال نمود.[۲] در دوران پادشاهی شاه طهماسب اول، مهاجرت علما به اوج خود رسید. در تحول گفتمان دینی عصر صفویه، محقق کرکی و شهید ثانی نقش اساسی داشته‌اند. محقق کرکی، پیشرفت خود را مدیون اتحاد قبایل شاملو و استاجلو در روزگار شاه اسماعیل اول می‌دانست. پس از مرگ شاه اسماعیل و بر همین اساس، شاه طهماسب اول، وی را خاتم مجتهدان و نائب امام دوازدهم(عج) دانست و طی فرمانی، تمام امور مذهبی کشور را به او سپرد.[۳] محقق کرکی نشان داد که فقها می‌توانند با حاکمیت سیاسی همکاری و قدرت را به آنان واگذار نمایند. به نظر وی، در زمان غیبت کبری علمای شیعه می‌توانند از حاکمیت خراج دریافت کنند.[۴] فقیهان عاملی مهاجر، مردم را آموزش می‌دادند تا به آیین تشیع پایبند شوند. بنابراین، به ایران مهاجرت نمودند و تحولات مهمی در نظام آموزش امامیه پدید آوردند. از علمای مهاجر می‌توان به عزالدین‌بن‌سودون عاملی،[۵] حسین ابوجامع عاملی،[۶] سلیمان‌بن‌حسین عاملی،[۷] علی حر عاملی[۸] و ... اشاره نمود.

۶- تأسیس کتابخانه

کتابخانه عبارت است از مخازن عمومی کتاب که بخشی از آنها جهت مطالعه کتاب‌ها و نسخه‌برداری اختصاص داده می‌شد. کتاب و کتابخانه در ایران از اهمیت زیادی برخوردار بود. چهار نوع کتابخانه وجود داشت: کتابخانه مساجد، کتابخانه شخصی، کتابخانه عمومی،

---

۱ فرهانی منفرد، *مهاجرت علمای شیعه*، ص۱۶۶.

۲ جعفر مهاجر (۱۴۱۰ق)، *الهجرة العاملیة الی ایران فی العصر الصفوی*، بیروت: دارالروضة، صص۶۷-۶۶.

1 Andrew J Newman (2006*), Safavid Iran: Rebirth of a Persian Empire*, I.B. Tauris, Coltd, London: p37.

2 Abisaab, *Converting Persia*, p22.

۵ افندی، *ریاض العلماء*، ج۲، ص۱۶۴.

۶ همان، ج۲، ص۱۷۵.

۷ همان، ص۴۴۹.

۸ همان، ج۳، ص۴۱۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

کتابخانه نیمه‌عمومی. اگرچه بعضی کتاب‌ها گران‌قیمت بودند، ولی بیشتر مردم حتی کسبه و ارباب صنایع، کتب را خریداری می‌نمودند، زیرا طالب علم بودند و میل داشتند اطفالشان را به آموختن و کسب معلومات وادارند.[۱] به نظر می‌رسد در این عصر، به علت افزایش تعداد مدارس و گسترش مذهب شیعه، کتاب‌های زیادی درباره تشیع نوشته شود که نتیجه‌اش رونق کتاب‌فروشی و کاغذفروشی بود.

۷- تأمین بودجه مدارس و تأکید بر آموزش همگانی

از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، تأمین بودجه مدارس و اعطای کمک هزینه تحصیلی به طلاب بود. پادشاهان صفوی، درباریان و گاه صاحبان جاه و مقام، مدارسی را تأسیس می‌کردند و برای اداره آنها، موقوفاتی اختصاص می‌دادند. بنابراین چنین مدارسی درآمدهای سرشار داشتند که یا از جانب حکومت تأمین می‌شد و یا حاصل فروش موقوفاتی بود که به آن مدرسه اختصاص داشت. در این عصر، بانیان مدارس وقفی، اجاره قهوه‌خانه، بازار و باغ را وقف مدرسه می‌کردند. شاه، بزرگان و اعیان، وسایل مادی لازم را برای تأسیس و نگهداری موقوفه‌های دینی در اختیار می‌گذاشتند و به همین علت، اغلب شهرهای ایران پر از مدرسه و موقوفه بود. در شهر اصفهان حدود صد موقوفه وجود داشت.[۲] بنابراین، قسمت قابل توجهی از عواید دربار، صرف مدارس دینی می‌شد. بدون حمایت پادشاهان، امکان فعالیت مدارس عمده و نیز علما بسیار کم بود. بزرگان و اعیان جامعه نیز به پیروی از پادشاهان به چشم و همچشمی با یکدیگر برمی‌خاستند و امکانات لازم را برای تأسیس و نگهداری انواع ساختمان‌های عام‌المنفعه و به خصوص موقوفات دینی فراهم می‌کردند.[۳] حمایت‌های مالی منظم از مدارس در عصر صفوی موجب شکوفایی علم و دانش در این عصر شد. موقوفات شاه عباس اول، بزرگ‌ترین موقوفات عصر صفوی را تشکیل می‌داد. این عمل در تعلیم و تربیت این دوره، نقطه عطفی محسوب می‌شد، زیرا یکی از مهم‌ترین مصارف این موقوفات، تأمین هزینه‌های مراکز آموزشی و از آن جمله مدارس بود. بنابراین، امور مربوط به مدارس منظم‌تر و سازمان یافته‌تر گردید و ساخت و ساز، دخل و خرج و اداره مدارس تحت کنترل بیشتر حکومت قرار گرفت. مدرسان و طلاب از حمایت بیشتر حکومت

۱ تاورنیه، *سفرنامه*، ص۵۹۲.
۲ کمپفر، *سفرنامه*، ص۱۳۹.
۳ منصور صفت گل (۱۳۸۸)، *فراز و فرود صفویان*، تهران: کانون اندیشه جوان، صص ۱۲۹-۱۳۰..

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

برخوردار شدند و پرداخت حقوق و شهریه استادان و دانشجویان، ثبات بیشتری یافت.[۱] بی‌گمان هدایا و حمایت‌های فرمانروایان، وجوهات شرعی، بخشش‌ها، کمک‌ها و صدقات گروه‌های دیگر همواره در تأمین مقطعی هزینه‌های آموزگاران، شاگردان و مراکز آموزشی و گاه بنیانگذاری این مؤسسات نقش قابل توجهی داشت. اما تردیدی نیست که وقف، مهم‌ترین منبع تأمین این هزینه‌ها بود. در این دوره، پیوند نزدیکی میان نهاد وقف و نظام آموزشی به‌وجود آمد. از دیگر محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، تأکید بر آموزش و پرورش همگانی بود. به گفته اولئاریوس، ایرانی‌ها از هر قشر اجتماعی که باشند، علاقه به خواندن و نوشتن دارند و فرزندان خود را به مکتب می‌فرستند.[۲]

معایب نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی

هر نظام آموزشی در هر برهه تاریخی معایب و محاسنی دارد. در مورد نظام آموزش امامیه در عصر صفوی نیز به‌رغم محاسن بسیاری که داشت، کاستی‌ها و معایبی نیز در آن مشاهده می‌شد. شرح، حاشیه و تعلیق بر کتب، مخالفت با برخی از رشته‌های علمی، تخصصی نشدن علوم، عدم رعایت پیش‌نیاز و کاربردی نبودن برخی از دروس و ... از معایب نظام آموزش امامیه در دوره صفوی بود. با توجه به اینکه خواندن کتاب‌های قطور وقت زیادی را می‌طلبید، نویسندگان کتب بر آن شدند که بخش‌های مورد نیاز را تلخیص کنند. این عمل موجب شد تا شرح، حاشیه و تعلیق بر کتب درسی نوشته شود. به‌تدریج حاشیه‌نویسی و پرداختن به شرح، سبب طولانی شدن کلام و گستردگی مباحث شد. این روند مورد تأیید قرار گرفت و شرح‌های زیادی از طرف علما بر کتاب‌های مختلف در زمینه‌های علمی گوناگون نگاشته شد. این شیوه، قدرت خلاقیت و نوآوری را از علمای روزگار صفوی سلب کرد. به نظر می‌رسد اگر علمای عصر صفوی روش دیگری را اتخاذ می‌کردند و به‌جای شرح، حاشیه و تعلیق بر کتاب‌ها، به تألیف می‌پرداختند و یا به شیوه انتقادی متون گذشته را مورد بررسی قرار می‌دادند، پیشرفت بیشتری در زمینه‌های مختلف علمی در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی حاصل می‌شد.

۱. شرح، حاشیه و تعلیق بر کتب

از معایب نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، شرح‌نویسی بر کتاب‌های مختلف بود. با گذشت

---

۱ کمپفر، *سفرنامه*، ص۱۴۱.

۲ اولئاریوس، *سفرنامه*، ص۳۰۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

زمان بیش از صد شرح بر بعضی از کتاب‌های درسی نگاشته شد. برخی از علما با نوشتن شرح بر کتاب‌ها به شهرت علمی رسیدند و این کار موجب احراز جایگاه آنان در نظام آموزشی شد. از علوم رایج در نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی، علم فقه و اصول بود و علمای زیادی در این زمینه مهارت داشتند. در میان علوم اسلامی، مجالس درس فقه و اصول بسیار پر رونق بود. در این نظام آموزشی، شرح‌های مختلفی بر کتاب های فقه و اصول نگاشته شد.[۱] علاوه بر کتاب‌های فقه و اصول بر سایر کتاب‌ها در رشته‌های مختلف، شرح‌هایی نوشته شد.[۲]

حاشیه‌نویسی در اصطلاح نسخه‌شناسی، نوشتن مطالبی بر بعضی فقرات یک کتاب در هامش آن، به منظور تغییر مطالب، توضیح معانی، تصحیح سهوها یا تعلیل مقصود نویسنده و یا نقد و رد آن است. حاشیه‌نویسی در واقع عمل افزودن توضیحات یا مطالبی در حاشیه کتاب است. در نظام آموزش امامیه حاشیه‌نویسی بر علوم مختلف رایج بود.[۳] تعلیق نوعی خط تو در تو و پیچیده، برگرفته از خط توقیع و رقاع است. تعلیق در لغت به معنای در آویختن چیزی به چیزی است و اطلاق نام تعلیق به این خط ناشی از پیچیدگی در نگارش حروف و روانی حروف آن است. علما در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی بر علوم مختلف تعلیق می‌نوشتند.[۴]

۲. تخصصی نبودن علوم

از معایب نظام آموزش امامیه در عصر صفوی این بود که علوم تخصصی نشده بودند و به همین علت یک عالم، در زمینه‌های گوناگون فعالیت می‌کرد.[۵] از منابع عصر صفوی و کتاب *ریاض العلماء* چنین استنباط می‌شود که اگر در همان زمان فقه و دیگر علوم اسلامی به‌صورت تخصصی تدریس می‌شدند، با توجه به سختکوشی عالمان آن زمان، پیشرفت‌های شگرفی در زمینه‌های علوم مختلف به‌دست می‌آمد. به علت غیرتخصصی بودن علوم در نظام آموزش امامیه، متخصص تربیت نمی‌شد. در این نظام آموزشی هر طلبه‌ای با هر استعداد و ذوقی، در هر درسی که دوست داشت شرکت می‌کرد و از هر دانشی بهره کمی را فرا می‌گرفت و به همین علت در جامعه کارآیی لازم را نداشت. بدون شک اگر علوم به‌صورت

۱ افندی، *ریاض العلماء*، ج۱، ص۳۹.
۲ همان، ج۵، ص۴۴.
۳ همان، ج۱، ص۵۷.
۴ همان، ص۱۷.
۵ صفت گل، *فراز و فرود صفویان*، ص۱۲۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

تخصصی تقسیم می‌شدند و طلاب در یک زمینه خاص به تحصیل علم می‌پرداختند و در آن رشته متخصص می‌شدند، قادر بودند به مسائل مستحدثه و موضوع‌های جدید که به‌گونه‌ای مربوط به آن بخش بود، پاسخ‌های محققانه و دقیق بدهند.

۳. تخصصی نبودن مدرس

عالمانی که در مدارس عصر صفوی فعالیت می‌کردند فقط در یک حوزه متخصص نبودند.[۱] به علت عدم رعایت تخصص در تدریس، این امر کاستی‌هایی را در نظام آموزش امامیه به دنبال داشت. از منابع عصر صفوی چنین استنباط می‌شود که در مدرسه، یک معلم تک و تنها زبان عربی، صرف و نحو، شعر، فلسفه ارسطو، حدیث و گاهی ریاضیات و هیئت تدریس می‌کرد. به نوع درس، تقسیم ساعات و تعداد دانشجویان به هیچ وجهی توجه نمی‌شد، بلکه در آن واحد به شاگردان انواع و اقسام مواد درسی مختلف، عرضه می‌گشت و نظم و ترتیب خاصی در ارائه دروس وجود نداشت. به نظر می‌رسد اگر استادان به‌صورت تخصصی بر سر کلاس درس حاضر می‌شدند و تدریس خود را در همان رشته تخصصی ارائه می‌دادند، پیشرفت‌های قابل توجهی به‌دست می‌آمد.

۴. عدم رعایت پیش‌نیاز

از دیگر ضعف‌های نظام آموزشی صفویه این بود که پیش‌نیاز دروس رعایت نمی‌شد. برای مثال دانش‌آموزان قبل از آن‌که در منطق تبحر پیدا کنند، فیزیک می‌خواندند و یا بدون سابقه‌ای در حساب به آنها هندسه اقلیدس، *المجسطی* بطلمیوس، هندسه و مثلثات و اجسام کروی منلائوس و تئودوزیوس را ارائه می‌دادند. در مکتب‌خانه‌ها انتخاب کتاب از روی قاعده معینی نبود و استعداد و موقعیت طفل در نظر گرفته نمی‌شد، بلکه بر حسب میل اولیای طفل یا بر حسب تصادف، کودک کتاب یا رساله‌ای که در خانه بود را به مکتب می‌برد و می‌خواند.[۲]

۵. تنبیه بدنی در مکتب‌خانه‌ها

از معایب نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی که تا دوران معاصر نیز قابل ردیابی است، تنبیه بدنی کودکان در مکتب‌خانه بود. بنا به استناد اولئاریوس، محصلی که در مکتب درس می‌خواند، اگر مرتکب خطایی می‌شد و یا اینکه درس را جواب نمی‌داد، پاهایش را به فلک

۱ همان، ص۱۲۸.

۲ احمد تاجبخش (۱۳۷۸)، *تاریخ صفویه: هنر و صنعت، ادبیات و علوم و سازمان‌ها*، شیراز: نوید شیراز، ص۲۸۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

می‌بستند و ملای مکتب‌خانه با چوبدستی چند ضربه محکم به کف پای وی می‌کوبید.[۱] بنا به استناد ژان باتیست تاورنیه، در ایران اطفال را به مکتب می‌فرستادند و در هر محله‌ای چندین مکتب‌خانه وجود داشت. اطفال با صدای بلند درس خود را تکرار می‌نمودند و اگر کسی ساکت می‌شد از جانب معلم برایش تنبیه بدنی در نظر گرفته می‌شد.[۲] این شیوه و عملکرد نه تنها باعث پیشرفت محصلان نمی‌شد بلکه در درازمدت آثار مخرب روانی برجای می‌گذاشت.

نتیجه‌گیری

نظام آموزش امامیه در عصر صفوی محاسن فراوانی داشت. در این روزگار، علوم دینی شیعه احیا و مساجد، مدارس و مکتب‌خانه‌هایی احداث شد. در این مراکز آموزشی، فقیهان، محدثان، حکیمان، فیلسوفان و ... پرورش یافتند که در هیچ دوره تاریخی نمی‌توان مانند آن را مشاهده کرد. تولید علم در زمینه‌های مختلف آموزشی، گسترش فرهنگ شیعی در بین توده مردم، ترویج زبان فارسی، گسترش مساجد و حوزه‌های علمیه، گسترش مدارس، نگارش متون فقهی و علوم دیگر به زبان فارسی، معماری، نقاشی و خوشنویسی، پرورش عالمان نظریه‌پرداز در زمینه‌های مختلف علمی، ترجمه کتب به زبان فارسی، دعوت از علمای جبل عامل، بحرین و عراق، تحصیل زنان در رشته‌های مختلف، دلجویی از علما و دانشمندان، پیوند عمیق میان استادان و طلاب، تأمین بودجه، تأسیس کتابخانه، تکامل علوم عقلی و نقلی، پیدایی مکاتب مختلف فقهی و فلسفی، روحیه آزاداندیشی حاکم بر محیط‌های علمی، ترویج اندیشه اصولی‌گری، شیوه مباحثه، ابتکار و نوآوری در روش تدریس، پاسخ به حرکت‌های ضددینی، مناظره با متفکران غیرمسلمان، آموزش رایگان، آموزش همگانی، عدم توجه به مدرک‌گرایی، اعطای کمک هزینه تحصیلی، طراحی و نظارت بر مساجد و مدارس از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی بود.

به‌رغم محاسن بسیاری که نظام آموزش امامیه در عصر صفوی داشت، کاستی‌ها و معایبی نیز در آن مشاهده می‌شد. ترویج اندیشه اخباری‌گری، تخصصی نشدن علوم، ممنوعیت تعلیم فلسفه در برخی از مدارس وقفی، عدم رعایت پیش‌نیاز دروس، شرح، حاشیه و تعلیق بر کتب، بی‌توجهی به نوع درس، تقسیم ساعات و تعداد طلاب، متن‌محوری، بی‌توجهی به امر پژوهش، تنبیه بدنی در

---

۱ اولئاریوس، *سفرنامه*، ص۳۰۳.

۲ تاورنیه، *سفرنامه*، ص۵۹۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

مکتب‌خانه‌ها و ... از آسیب‌ها و معایب مهم نظام آموزش امامیه در این روزگار بود.

منابع و مآخذ

- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۴۰۳ق.)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق سید احمد حسینی، قم: منشورات مکتبة آیت الله مرعشی نجفی.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمهٔ احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- بخشی استاد، موسی الرضا و رضایی، رمضان (۱۳۹۳)، «نقش مدارس عصر صفوی در گسترش تشیع دوازده امامی»، *ادیان و عرفان*، س۴۷، ش۲.
- بلاذری، احمدبن‌یحیی (۱۹۷۸)، *فتوح البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بینیون، لورنس و دیگران (۱۳۶۷)، *سیر تاریخ نقاشی ایرانی*، ترجمهٔ محمد ایران‌منش، تهران: امیرکبیر.
- تاجبخش، احمد (۱۳۷۸)، *تاریخ صفویه: هنر و صنعت، ادبیات و علوم و سازمان‌ها*، شیراز: نوید شیراز.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۲)، *سفرنامه*، ترجمهٔ ابوتراب نوری، مصحح حمید شیرانی، تهران: نیلوفر.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، مصحح ایرج افشار، چ۳، تهران: امیرکبیر.
- حسینی‌زاده، محمد علی (۱۳۸۹)، *شکل‌گیری و تحول حوزه‌های شیعه*، تهران: مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشری.
- رابینسون، ب. و. (۱۳۷۶)، *هنر نگارگری ایران*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: مولی.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ترجمهٔ اقبال یغمایی، تهران: طوس.
- شاملو، ولی قلی‌بن‌داود قلی (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، مصحح سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۴)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، چ۱۰، تهران: مؤسسه انتشارات مدبر.
- صفت‌گل، منصور (۱۳۸۸)، *فراز و فرود صفویان*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- عکاشه، ثروت (۱۳۸۰)، *نگارگری اسلامی*، ترجمهٔ غلامرضا تهامی، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- فرمیهنی فراهانی، محسن (۱۳۷۸)، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، تهران: اسرار دانش.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۷)، *مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی*، چ۲، تهران: امیرکبیر.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمهٔ غلام رضا سمیعی، تهران: نشرنو.
- فلور، ویلم (۱۳۹۳)، *بیمارستان‌های ایران در زمان صفویه و قاجار*، ترجمهٔ ایرج نبی پور، بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ (۱۳۵۶)، *سفرنامه*، ترجمهٔ محمد صادق همایون فرد، تهران: کتابخانه ملی ایران.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]

- کارری، جملی (۱۳۴۸)، *سفرنامه*، ترجمهٔعباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق.)، *کافی (ط-الاسلامیه)*، محقق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰)، *سفرنامه*، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- مهاجر، جعفر (۱۴۱۰ق.)، *الهجرة العاملیة الی ایران فی العصر الصفوی*، بیروت: دارالروضة.
- نجاشی، احمدبن‌علی [بی‌تا]، *رجال*، تهران: [بی‌نا].
- واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۸۲)، *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*، مصحح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- Abisaab, Rula Jurdi (2004), *Converting Persia: Religion and Power in the Safavid, Empire*, New York & London: I.B. Tauris & Co. Ltd.
- Newman, Andrew J. (2006), *Safavid Iran: Rebirth of a Persian Empire*, London: I.B. Tauris & Co. Ltd.
- Rabissow, Hellen (1945), *Art of Asia, Philosophical Library*, 1st Edition, New York.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.4.6]